

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۲۴

آیه ۷-۱۱

آیه و ترجمه

یا ایها الذین ءامنوا ان تنصروا الله ینصرکم و یشبہ اءقدامکم ۷  
و الذین کفروا فتعسا لهم و اءضل اءعملهم ۸  
ذلک باءنهم کرهوا ما ءنزل الله فاءحبط اءعملهم ۹  
ء فلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم دمر الله  
علیهم و للکفرین ءمثلها ۱۰  
ذلک باءن الله مولى الذین ءامنوا و ءن الکفرین لا مولى لهم ۱۱  
ترجمه :

- ۷ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید شما رایاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.  
۸ - و کسانی که کافر شدند مرگ بر آنها و اعمالشان نابود باد.  
۹ - این به خاطر آن است که از آنچه خداوند نازل کرده کراهت داشتند لذا خدا

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۲۵

اعمالشان را حبط و نابود کرد.  
۱۰ - آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنها بودند چه شد؟ خداوند آنها را هلاک کرد، و برای کافران امثال این مجازات‌ها خواهد بود.  
۱۱ - این به خاطر آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند، اما کافران مولائی ندارند.

تفسیر:

اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می‌کند

این آیات همچنان ادامه تشویق مؤمنان به مسأله پیکار با دشمنان حق است، با تعبیری جالب و رسا آنها را تشویق به «جهاد» می‌کند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می‌کند، و گام‌هایتان را استوار می‌دارد» (یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم و یشبہ اءقدامکم).  
یشبہ اءقدامکم).

تکیه بر مسأله «ایمان» اشاره به این است که یکی از نشانه‌های ایمان راستین پیکار با دشمنان حق است.

تعبیر به یاری کردن خدا به وضوح به معنی یاری کردن آئین او است، یاری کردن پیامبر او، و شریعت و تعلیمات او، و لذا در بعضی دیگر از آیات قرآن یاری کردن خدا و رسولش در کنار یکدیگر قرار داده شده است، در سوره حشر آیه ۸ می‌خوانیم: وینصرون الله و رسوله اولئک هم الصادقون با اینکه قدرت خداوند بی‌پایان است، و قدرت مخلوقات در برابر او بسیار ناچیز، ولی باز تعبیر به یاری کردن خداوند می‌کند، تا اهمیت مسأله جهاد و دفاع از آئین حق را روشن سازد، و تعبیری از این با عظمت‌تر برای این موضوع پیدا نمی‌شود. اما ببینیم وعده‌ای را که خداوند در برابر دفاع از آئینش به مجاهدان

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۲۶

داده چیست؟ نخست: می‌گوید: «شما را یاری می‌کند» اما از کدام طریق؟ از طریق بسیار، در قلب شما نور ایمان و در روح شما تقوا، در اراده شما قدرت، در فکر شما آرامش می‌افکند.

از سوی دیگر فرشتگان را به یاری شما می‌فرستد، حوادث را به نفع شما تغییر مسیر می‌دهد، قلوب مردم را به شما متمایل می‌کند، سخنانتان را نافذ، فعالیت‌هایتان را پر ثمر می‌سازد، آری یاری خدا جسم و جان و درون و برون را احاطه می‌کند.

اما در میان تمام اشکال یاری کردن روی مسأله «ثبات قدم» تاءکید می‌کند، چرا که ایستادگی در برابر دشمن مهمترین رمز پیروزی است، و برندگان جنگها آنها هستند که ثبات و استقامت بیشتری نشان می‌دهند. و لذا در داستان پیکار «طالوت» فرمانده بزرگ بنی اسرائیل، با «جالوت» آن زمامدار ستمگر و خونخوار و قوی پنجه، می‌خوانیم: مؤمنان اندکی که با او بودند به هنگامی که در برابر انبوه دشمن قرار گرفتند چنین گفتند: «ربنا افرغ علينا صبرا وثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین»: «پروردگارا! صبر و استقامت را بر ما بریز و گامهای ما را استوار دار و در برابر قوم کافر یاری فرما».

و در آیه بعد از آن می‌خوانیم: فهزموهم باذن الله، «یاران» «طالوت» لشکر نیرومند جالوت را به فرمان خدا شکست دادند». آری نتیجه ثبات قدم پیروزی بر دشمن است.

و از آنجا که گاهی نیروی متراکم دشمن و انبوه جمعیت و انواع تجهیزات او، فکر مجاهدان راه حق را به خود مشغول می‌دارد درآیه بعد می‌افزاید: «و کسانی که کافر شدند مرگ و سقوط بر آنها و اعمالشان نابود باد» (و الذین

---

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۲۷

کفروا فتعسا لهم و اضل اعمالهم). «تعس» (بر وزن نحس) به معنی لغزیدن و برو در افتادن است و اینکه بعضی آن را به «هلاکت و انحطاط» تفسیر کرده‌اند در واقع لازمه آن است. و در هر حال مقابله میان این دو بسیار پر معنی است، درباره مؤمنان راستین می‌فرماید: «گامهایشان را استوار می‌دارد» اما درباره کافران می‌گوید: «لغزش و سقوط بر آنها باد» آنها به صورت نفرین که گیراتر و گویاتر باشد.

آری هنگامی که افراد بی‌ایمان لغزش می‌کنند کسی نیست زیربازوی آنها را بگیرد، و به آسانی در پرتگاهها سقوط خواهند کرد، اما فرشتگان رحمت الهی به یاری مؤمنان می‌شتابند، و آنها را در لغزشگاهها و پرتگاهها حفظ می‌کنند، چنانکه در جای دیگری خوانیم: ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة (فصلت - ۳۰).

اعمال مؤمنان پر برکت است، اما اعمال کافران بی‌برکت و به سرعت محو و گم می‌شود.

آیه بعد علت سقوط آنها و نابودی اعمالشان را چنین بیان می‌کند: «این به خاطر آن است که از آنچه خدا نازل کرده است کراهت داشتند، لذا خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرده است» (ذلک بانهم کرهوا ما انزل الله فاحبط اعمالهم).

خداوند قبل از هر چیز آئین توحید را نازل فرمود اما آنها به آن پشت کرده رو به شرک آوردند، خداوند دستور به حق و عدالت و پاکی و تقوا داد اما آنها

---

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۲۸

همه را پشت سر افکندند، و به ظلم و فساد روی آوردند، آنها حتی وقتی نام خدای یگانه را می‌بردند ابراز تنفر می‌کردند. و اذاکر الله وحده اشمازت قلوب الذین لا يؤمنون بالآخرة (زمر - ۴۵). آری هنگامی که آنها از این امور نفرت داشتند طبعاً گامی در این مسیر

برنمی داشتند و تمام تلاشها و کوششهایشان در مسیر باطل بود، و طبیعی است که چنین اعمالی حبط و نابود گردد.

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) آمده است: کرهوا ما انزل الله فی حق علی: آنها آنچه را که خداوند در حق علی (علیه السلام) نازل کرده بود کراحت داشتند.

البته تعبیر «ما انزل الله» معنی گسترده‌ای دارد که یکی از مصداقهای روشنش مسأله ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است، نه اینکه منحصر در آن باشد.

و از آنجا که قرآن مجید در بسیاری از موارد نمونه‌های حسی را به ظالمان سرکش ارائه می‌دهد در اینجا نیز آنها را به مطالعه احوال اقوام گذشته دعوت کرده می‌فرماید: «آیا آنها سیر در زمین نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنها بودند چگونه بود؟ همانها که راه کفر و طغیان را پیش گرفتند و خداوند آنها را درهم کوبید و هلاک کرد» (ا فلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم دمر الله علیهم).

سپس برای اینکه آنها گمان نکنند سرنوشت دردناکی که برای امتهای طغیانگر پیشین بود جنبه خصوصی داشت می‌افزاید: «و برای مشرکان و کافران نیز امثال این مجازاتها خواهد بود» (و للکافرین امثالها). آنها انتظار نداشته باشند که با انجام اعمال مشابه آنها از کیفرهای مشابه

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۲۹

مصون و برکنار بمانند، بروند آثار گذشتگان را بنگرند و آینده خود را در آئینه زندگی آنان ببینید.

قابل توجه این که «دمر» از ماده «تدمیر» در اصل به معنی هلاک کردن است، اما هنگامی که با علی ذکر می‌شود به معنی نابود کردن همه چیز حتی فرزندان و خانواده و اموال مخصوص انسان است و به این ترتیب این تعبیر بیان مصیبت دردناکتری است، مخصوصا با توجه به این که لفظ «علی» معمولا در مورد سلطه به کار می‌رود، مفهوم جمله این می‌شود که خداوند هلاک و نابودی را بر سر این اقوام و اموال و آنچه مورد علاقه آنها بود فرو ریخت! در مورد «سیر در ارض» که قرآن مجید به عنوان یک برنامه آگاه کننده بارها روی آن تکیه کرده است بطور مشروح در جلد سوم صفحه ۱۰۲ به بعد بحث کرده ایم (ذیل آیه ۱۳۷ سوره آل عمران) و در جلد ۱۶ صفحه ۴۵۸.

آخرین آیه مورد بحث به ذکر دلیل حمایت همه جانبه پروردگار از مؤمنان و نابودی کافران طغیانگر پرداخته می‌گوید: «این بخاطر آن است که خداوند مولا و سرپرست مؤمنان است اما کافران مولائی ندارند» (ذلک بان الله مولى الذین آمنوا و ان الکافرین لا مولى لهم).

«مولى» به معنی «ولى و سرپرست و یار و یاور» است، و به این ترتیب خداوند ولایت و سرپرستی و یاری مؤمنان را برعهده گرفته، اما کافران را از زیر چتر ولایت خود خارج ساخته است، روشن است کسانی که تحت ولایت ذات پاک او باشند هم در مشکلات یاری می‌شوند، و هم ثبات قدم دارند، و سرانجام به مقصود خود نائل می‌شوند، اما آنها که از زیر این پوشش خارجند اعمالشان حبط و نابود

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۳۰

و عاقبت کارشان هلاکت است.

در اینجا سؤالی پیش می‌آید که در آیه مورد بحث خداوند فقط به عنوان مولای مؤمنان ذکر شده در حالی که در بعضی دیگر از آیات قرآن مانند آیه ۳۰ سوره یونس حتی مولای کافران معرفی شده است: و ردوا الی الله مولا هم الحق و ضل عنهم ما کانوا یفترون.

«آنها به سوى خداوند مولای حقیقی خود باز می‌گردند، و بتنهائی را که به دروغ شریک خدا می‌پنداشتند گم و نابود می‌شود».

پاسخ این سؤال با توجه به یک نکته روشن می‌شود و آن این که ولایت عامه خداوند که همان مسأله خالقیت و تدبیر او است همگان را فرا می‌گیرد، ولی ولایت خاصه و عنایت مخصوص او که تواءم با انواع حمایتها است تنها شامل حال مؤمنان است.

بعضی گفته‌اند این آیه امیدبخشترین آیات قرآن است ارجی آیه فی القرآن چرا که همه مؤمنان را اعم از عالم و جاهل، زاهد و راغب، کوچک و بزرگ، زن و مرد، و پیر و جوان، تحت حمایت و عنایت خاص پروردگار معرفی می‌کند، حتی مؤمنان گنهکار را استثنا نمی‌کند، او در حوادث سخت و مصائب جانکاه نمونه‌های حمایت خویش را نشان می‌دهد که هر کس در طول عمر خود این معنی را احساس کرده است و در تواریخ نیز شواهد فراوان دارد.

در حدیثی آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از یکی از غزوات زیر درختی تنها نشسته بود، مشرکی با شمشیر برهنه بطور غافلگیرانه

به حضرت حمله کرد و گفت: من یخلصک منی: «الان چه کسی می تواند تو را از چنگال من نجات دهد»؟! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «الله» و در این هنگام پای مشرک لغزید و بر زمین

---

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۳۱

خورد، و شمشیر از دستش فرو افتاد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شمشیر را برداشت و فرمود: الان تو بگو چه کسی تو را از دست من رهائی می بخشد؟! در جواب عرض کرد: لا احد! «هیچ کس»! و سپس ایمان آورد.

آری مولای همه مؤمنان او است و کافران مولا و پناهگاهی ندارند.

---

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۳۲

آیه ۱۲ - ۱۴

آیه و ترجمه

ان الله یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصالحات جنات تجری من تحتها الانهر و الذین کفروا یتمتعون و یاء کلون کما تاء کل الانعام و النار مثوی لهم ۱۲ و کاءین من قرية هی اشد قوة من قریةک التی اءخرجتک اءهلکنهم فلا ناصر لهم ۱۳

ءفمن کان علی بینة من ربه کمین زین له سوء عمله و اتبعوا ءهواءهم ۱۴  
ترجمه :

۱۲ - خداوند کسانی را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند وارد باغهایی از بهشت می کند که نهرها از زیر درختانش جاری است، در حالی که کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می گیرند و همچون چهارپایان می خورند و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آنهاست.

۱۳ - و چه بسیار شهرهایی که از شهری که تو را بیرون کرد پر قدرتر بودند، ما همه آنها را نابود کردیم، و یآوری نداشتند!

۱۴ - آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد همانند کسی است که زشتی اعمالش در نظرش تزئین شده، و از هوای نفس پیروی می کند؟!

---

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۳۳

## تفسیر:

### سرنوشت مؤمنان و کفار

از آنجا که آیات گذشته پیرامون پیکار مستمر حق و باطل و ایمان و کفر سخن می‌گفت آیات مورد بحث در یک مقایسه روشن سرنوشت مؤمنان و کفار را تشریح می‌کند، تا روشن شود که این دو گروه تنها در زندگی دنیا متفاوت نیستند بلکه در آخرت نیز فوق العاده با هم متفاوتند می‌فرماید: «(خداوند کسانی را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند وارد باغهایی از بهشت می‌کند که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری است)» (ان الله یدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنات تجری من تحتها الانهار).

«(در حالی که کافران از متاع زودگذر این دنیا بهره می‌گیرند، و همچون چهارپایان می‌خورند و سرانجام دوزخ جایگاه آنهاست)»! (و الذین كفروا یتمتعون و یاكلون کما تاكل الانعام و النار مثنوی لهم).

درست است که هر دو گروه در دنیا زندگی می‌کنند و از مواهب آن بهره‌مند می‌شوند، ولی تفاوت اینجا است که مؤمنان هدفشان انجام اعمال صالح است، اعمالی مفید و سازنده و برای جلب خشنودی پروردگار. ولی کافران تمام هدفشان همین خوردن و خوابیدن تمتع بردن از لذات حیات است.

مؤمنان حرکتی آگاهانه دارند و کافران بی‌هدف زندگی می‌کنند، و بی‌هدف می‌میرند، درست مانند چهارپایان!

مؤمنان در بهره‌گیری از مواهب حیات قید و شرط فراوان قائلند، و در مشروعیت و طرق تحصیل آن و چگونگی مصرفش دقیق‌اندیشند، اما کافران

---

### تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۳۴

چون چهارپایانند که برای آنها تفاوت نمی‌کند این علف از زمین صاحب آنها است یا غصب؟ حق یتیم و بیوه‌زنی است یانه؟

مؤمنان با استفاده از هر یک از مواهب مادی به بخشنده این مواهب می‌اندیشند آیات او را در آنها می‌نگرند و حق شکر منعم را بجا می‌آورند، در حالی که کافر غافل و بی‌خبر به هیچ یک از اینها نمی‌اندیشد، و پیوسته بار خود را از ظلم و گناه سنگین‌تر می‌کند، خود را به هلاکت نزدیکتر می‌سازد، همانگونه که گوسفندان پرواری هر قدر بیشتر می‌خورند و فربه‌تر می‌شوند به ذبح



نزدیکتر می گردند.

بعضی تفاوت بین این دو گروه را چنین گفته اند: ان المؤمن لا یخلو اء کله عن ثلاث: الورع عند الطلب، و استعمال الادب، و الاکل للسبب، و الکافر یطلب للنهمه و یاکل للشهوة و عیشه فی غفلة. «مؤمن خوردنش از سه برنامه خالی نیست ورع در به دست آوردن، و ادب در به کار بردن، و هدف در مصرف کردن، ولی کافر طلبش بی قید و شرط و خوردنش برای شهوت و زندگی سراسر غفلت است»!.

قابل توجه اینکه در مورد مؤمنان می گوید خداوند آنها را وارد باغهای بهشت می کند اما در مورد کافران می گوید: آتش جایگاه آنها است که تعبیر اول احترام و اعتنائی است نسبت به مقام اهل ایمان، و تعبیر دوم تحقیر و بی اعتنائی نسبت به کفار است که از تحت ولایت او بیرون رفته اند. بعضی از مفسران از جمله: و النار مثوی لهم (آتش جایگاه آنهاست) چنین استفاده کرده اند که آنها همانکون در آتشند، زیرا جمله به صورت فعل مضارع و مستقبل نیست، بلکه خبر از حال می دهد، و در حقیقت چنین است، چرا که اعمال و افکار آنها خود آتش است که در آن گرفتارند، و جهنم هم اکنون از هر سو آنها را احاطه کرده، هر چند این حیوانصفتان غافلند. چنانکه در آیه ۴۹ سوره توبه می خوانیم: و ان جهنم لمحیطة بالکافرين: «جهنم کافران را احاطه

---

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۳۵

کرده است»!.

در بعضی دیگر از آیات قرآن نیز این دوزخیان به چهارپایان تشبیه شده اند بلکه از چهارپایان بدتر: اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون (اعراف - ۱۶۹) که شرح مبسوط آنرا در جلد هفتم صفحه ۱۹ به بعد آورده ایم. در آیه بعد برای تکمیل این هدف مقایسه ای در میان مشرکان مکه و بت پرستان پیشین می کند و با عبارتی گویا آنها را شدیداً مورد تهدید قرار می دهد و در ضمن روی بعضی از جرائم بزرگ آنها که دلیلی بر جواز جنگ با آنها است تکیه کرده، می فرماید: «چه بسیار شهرهائی که از شهری که تو را بیرون کرد قویتر و نیرومندتر بود، ما همه آنها را نابود کردیم و یاوری نداشتند» (وکاین من قرية هی اشد قوة من قریتک التی اخرجتک اهلکناهم فلا ناصر لهم). آنها گمان نبرند که چند روزی دنیا به کامشان است، و آنقدر جسور شده اند که بزرگترین فرستاده الهی را از مقدسترین شهرهای بیرون می کنند همیشه



این وضع ادامه خواهد یافت، اینها در مقایسه با قوم عاد و ثمود و فراعنه و لشکر ابرهه موجوداتی ضعیف و ناتوانند، خداوندی که آنها را به آسانی درهم کوبید درهم شکستن آنها نیز برای او بسیار ساده است.

در روایتی از ابن عباس آمده است که چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مکه به سوی غار (ثور) رفت، صورت به سوی مکه بازگرداند، و گفت: انت احب البلاد الی الله و انت احب البلاد الی و لو لا المشرکون اهلك اخرجونی لما خرجت منك: «تو محبوبترین شهرها نزد خدا و محبوبترین بلاد نزد منی، و هر گاه ساکنان مشرک تو مرا خارج ننموده بودند به میل خود از تو خارج نمی شدم».

در اینجا آیه فوق نازل گشت (به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بشارت نصرت الهی و دشمنان

#### تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۳۶

را تهدید به مجازات کرد).

مطابق این شأن نزول این آیه در مکه نازل شده است، ولی به نظر می رسد که این شأن نزول مربوط به آیه ۸۵ سوره قصص است که بسیاری از مفسران آنرا در آنجا ذکر کرده اند، و تناسب بیشتری نیز با همان آیه دارد، که می فرماید: ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد: «آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد تو را به جایگاهت (زادگاهت) باز می گرداند.

قابل توجه اینکه در اینجا خارج کردن را به شهر مکه نسبت می دهد، در حالی که منظور اهل شهر است، این کنایه لطیفی است که سلطه یک گروه را بر آن شهر مشخص می کند و نظیر آن در موارد دیگری از قرآن مجید نیز آمده است. ضمنا تعبیر به «قریه» همانگونه که بارها گفته ایم به هر گونه شهر و آبادی اطلاق می شود و به معنی روستا نیست.

آخرین آیه مورد بحث از مقایسه دیگری بین مؤمنان و کفار سخن می گوید، از دو گروه متفاوت در همه چیز که یکی دارای ایمان و عمل صالح است و دیگری دارای یک زندگی به تمام معنی حیوانی، از دو گروهی که یکی در زیر چتر ولایت پروردگار قرار گرفته، و دیگری بی مولی و سرپرست، می فرماید: «آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، همانند کسی است که زشتی اعمالش در نظرش تزیین شده، و از هوای نفس پیروی می کند؟! (افمن کان علی بینه من ربه کمن زین له سوء عمله و اتبعوا اهوائهم).

گروه اول در مسیر خود از شناخت صحیح و یقین و دلیل و برهان قطعی

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۳۷

برخوردارند، راه و هدف خود را به روشنی می بیند و به سرعت پیش می روند. اما گروه دوم گرفتار سوء تشخیص و عدم درک واقعیت و تاریکی مسیر و هدف شده، در ظلمات اوهام سرگردانند، و عامل این سرگردانی همان پیروی از هوی و هوسهای سرکش است، چرا که هوا و هوس پرده بر روی عقل و فکر انسان می افکند، زشتیها را زیبا و زیبائیها را زشت نشان می دهد، آنچنان که گاهی به اعمال شرم آور و ننگین خود فخر و مباهات می کند، چنانکه در آیه ۱۰۳ سوره کهف آمده است: قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالا الذین ضل سعیمهم فی الحیاة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بایات ربهم و لقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیامة و زنا: «بگو آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین مردم کیانند؟ آنها هستند که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم و نابود شده با اینحال گمان می کنند کار نیکی انجام می دهند، آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند، به همین دلیل اعمالشان حبط و نابود می شود و روز قیامت میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد!» (چرا که عمل و زنداری ندارند).

«بینة» به معنی دلیل آشکار است و در اینجا اشاره به قرآن و معجزات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و دلائل عقلی دیگر است. روشن است استفهام در جمله افمن کان ... «استفهام انکاری» است، یعنی هرگز این دو گروه یکسان نیستند.

در اینکه چه کسی اعمال سوء هواپرستان را در نظرشان تزئین می کند؟ خداوند، یا خود آنها، یا شیاطین؟ باید گفت: همه اینها صحیح است، چرا که در آیات قرآن به هر سه نسبت داده شده است، در آیه ۴ سوره نمل می فرماید: ان الذین لایؤمنون بالآخرة زینا لهم اعمالهم: «کسانی که ایمان به آخرت نمی آورند اعمالشان را در نظرشان زینت می دهیم» و در آیات متعددی

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۳۸

از جمله ۳۸ عنکبوت آمده است: و زین لهم الشیطان اعمالهم، و در آیه مورد بحث با توجه به جمله «و اتبعوا اهلوائهم» به ظاهر این است که این تزئین ناشی از پیروی هوی و هوس است، و این معنی کاملاً قابل درک است که هوی و

هوس حس تشخیص و درک صحیح واقعیتها را از انسان می گیرد.  
البته نسبت دادن آن به «شیطان» نیز صحیح است چرا که او به هوا و هوسها دامن می زند و پیوسته انسان را وسوسه می کند.  
و اگر به خداوند نسبت داده شده نیز به خاطر این است که او مسبب الاسباب است، و هر سببی اثری دارد از ناحیه او است، او به آتش سوزندگی داده، و به هوی و هوس تاءثیر پرده پوشی بر حقائق، و قبلا هم این تاءثیر را اعلام نموده است و به این ترتیب ریشه اصلی مسؤولیت به خود انسان بازمی گردد  
بعضی جمله «من کان علی بینة من ربه» را اشاره به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و جمله بعد را ناظر به کفار مکه می دانند، ولی ظاهر این است که آیه معنی گسترده ای دارد که اینها از مصادیق آن است.

---

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۳۹

آیه ۱۵

آیه و ترجمه

مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير آسن و انهار من لبن لم يتغير طعمه و انهار من خمر لذة للشاربين و انهار من عسل مصفى و لهم فيها من كل الثمرات و مغفرة من ربهم كمن هو خلد في النار و سقوا ماء حميما فقطع امعاءهم ۱۵

ترجمه :

۱۵ - توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده چنین است که در آن نهرهائی از آب صاف و خالص است که بدبو نشده و نهرهائی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهائی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است، و نهرهائی از عسل مصفی، و برای آنها در آن از تمام انواع میوه ها وجود دارد (و از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان، آیا چنین کسانی همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می شوند که امعاء آنها را از هم متلاشی می کند؟!

تفسیر:

توصیف دیگری از بهشت

این آیه همچنان توصیفی است برای سرنوشت دو گروه کافر و مؤمن که یکی دارای اعمال صالح و دیگری اعمال زشت و ننگینی است که در نظرش تزیین شد

در این آیه از شش نوع مواهب بهشتیان، و دو نوع کیفرهای سخت و دردناک دوزخیان، پرده برداشته و عاقبت کار این دو گروه را مشخص می‌کند. در میان نعمتهای بهشتیان از چهار نهر که هر کدام مایع و محتوایی مخصوص به خود دارد نام می‌برد، و سپس سخن از میوه‌های بهشتی است، و سرانجام از بعضی مواهب معنوی سخن می‌گوید

نخست می‌فرماید: «بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده در آن نهرهایی است از آب صاف و خالص که هیچگونه دگرگونی در بوی آن حاصل نشده است» (مثل الجنة التي وعد المتقون فیها انهار من ماء غیر آسن). «آسن» به معنی «بدبو» است، بنابراین «ماء غیر آسن» یعنی آبی که بر اثر طول ماندن یا غیر آن بوی آن دگرگون نشده است، این نخستین قسمت از نهرهای بهشتی است که در آن صرفاً آب زلال خوشبو و خوش طعم جاری است.

سپس می‌افزاید: و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته است (و انهار من لبن لم یتغیر طعمه).

اصولاً آنجا جای فساد و تباهی نیست و مواد غذایی بهشتی باگذشت زمان دگرگون نمی‌شود، این عالم دنیا است که به خاطر وجود انواع میکربهای مخرب مواد غذایی به سرعت به سوی فساد می‌رود.

بعد به سراغ سومین قسمت از نهرهای بهشتی رفته، می‌گوید: «و نهرهایی از شراب طهور که مایه لذت نوشندگان است»! (و انهار من خمر لذة للشاربین).

و بالاخره چهارمین و آخرین قسمت از نهرهای بهشتی را به این صورت بیان

می‌کند: «و نهرهایی از عسل مصفا» (و انهار من عسل مصفی). علاوه بر این نهرهای گوناگون که هر کدام به منظوری آفریده شده در پنجمین موهبت سخن از انواع میوه‌های بهشتی به میان آورده می‌افزاید: «و برای آنها در بهشت از تمام انواع میوه‌ها موجود است» (و لهم فیها من کل الثمرات) میوه‌های رنگارنگ باطعمه‌ها و عطرها متفاوت، آنچه در تصور بگنجد یا انواعی که امروز حتی تصورش برای ما ممکن نیست، همه در اختیار

آنها است.

و بالاخره در ششمین موهبت که برخلاف مواهب مادی قبلی، جنبه معنوی و روحانی دارد می‌گوید و برای آنها است آمرزشی از سوی پروردگارشان (و مغفرة من ربهم).

رحمتی عظیم و گسترده که تمام لغزشهای آنها را می‌پوشاند، و به آنها اطمینان و آرامش می‌بخشد، و محبوب درگاه حق می‌کند، و مصداق: رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک الفوز العظیم هم خدا از آنها راضی است و هم آنها از خدا راضی و این پیروزی بزرگی است (مائدة - ۱۱۹) می‌شوند.

و به این ترتیب مؤمنان پاکدل و صالح از انواع مواهب مادی و معنوی در بهشت جاویدان در جوار رحمت الهی برخوردارند.

اکنون ببینیم گروه مقابل آنها چه سرنوشتی خواهند داشت؟ دردنباله آیه می‌فرماید: «آیا این گروه همانند کسانی هستند که در آتش دوزخ خلود دارند، و از آب جوشان و سوزانی نوشانیده می‌شوند که امعاء آنها را از هم متلاشی می‌کند»؟!

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۴۲

(کمن هو خالد فی النار و سقوا ماء حمیما فقطع امعائهم).

«امعاء» جمع «معی» (بر وزن سعی) و «معا» (بر وزن غنا) به معنی روده است و گاه به تمام آنچه در درون شکم وجود دارد نیز گفته می‌شود و پاره شدن آنها اشاره به شدت سوزندگی و حرارت این نوشابه وحشتناک دوزخی است.

**نکته‌ها:**

#### ۱ - نه‌های چهارگانه بهشتی

از آیات قرآن مجید به خوبی استفاده می‌شود که در بهشت نه‌ها و چشمه‌های گوناگونی است که هر کدام دارای فایده و لذتی است که چهار نمونه آن در آیه فوق آمده و نمونه‌های دیگری نیز در سوره دهر است که به خواست خدا در تفسیر آن خواهد آمد.

تعبیر به «انهار» در مورد این چهار نوع نشان می‌دهد که از هر کدام آنها یک نه‌ر نیست بلکه نه‌رها است.

بارها گفته‌ایم نعمت‌های بهشتی چیزی نیست که با الفاظ روزمره زندگی دنیا بتوان دربار آن سخن گفت، این الفاظ کوچکتر از آن است که بتواند ترسیم

کامل و گویائی از آن بکند، بلکه تنهامی تواند شبی کم رنگ از آن حقایق بزرگ در اذهان ما ترسیم کند.

در آیه مورد بحث به نه‌های آب و شیر و شراب طهور و غسل اشاره شده که ممکن است اولی برای رفع تشنگی است، دومی تغذیه، سومی نشاط، و چهارمی لذت و قوت می‌آفریند.

---

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۴۳

جالب این که از آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود که همه بهشتیان از همه این نوشیدنی‌ها نمی‌نوشند بلکه سلسله مراتبی دارند که به تناسب آن بهره‌مند می‌شوند در سوره مطففین آیه ۲۸ می‌خوانیم: عینا یشرب بها المقربون: «چشمه‌ای است که مقربان درگاه خدا از آن می‌نوشند».

### ۲- شراب طهور

ناگفته پیدا است که خمر و شراب بهشتی هیچگونه ارتباطی با خمر و شراب آلوده دنیا ندارد، همانگونه که قرآن در توصیف آن در جای دیگر گفته است: لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون: «آن خمر و شراب نه مایه فساد عقل است و نه موجب مستی می‌شود و جز هوشیاری و نشاط و لذت روحانی چیزی در آن نیست» (صافات - ۴۷).

### ۳- نوشابه‌های فاسد نشدنی

در توصیف نه‌های بهشتی در یک مورد با «غیر آسن» (بوی آن تغییر نیافته) و در مورد دیگر «لم یتغیر طعمه» (طعم آن دگرگون نشده) آمده است و این نشان می‌دهد که نوشابه‌ها و غذاهای بهشتی همیشه به همان طراوت و تازگی روز نخست است، چرا چنین نباشد؟ در حالی که دگرگونی مواد غذایی و تغییر یا فساد آنها بر اثر تأثیر میکروبهای فاسد کننده است، و اگر اینها نبودند در این دنیا نیز همه به همان حالت نخست باقی می‌ماندند، اما چون در بهشت جائی برای موجودات فاسد کننده نیست همه چیز آن همیشه صاف و پاک و سالم و تازه است.

### ۴- چرا میوه‌ها

در آیه مورد بحث و بسیاری دیگر از آیات قرآن از میان غذاهای بهشتی بیشتر روی میوه‌ها تکیه شده است میوه‌های متنوعی که باب همه ذائقه‌ها است

---

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۴۴۴

و این نشان می‌دهد که میوه مهمترین غذای بهشتی است، حتی بهترین و سالمترین غذای انسان در این دنیا نیز میوه است.

۵ - تعبیر به «سقوا» (نوشانیده می‌شوند) به صورت فعل مجهول بیانگر این واقعیت است که آب سوزان حمیم را به زور، و نه به دلخواه، به آنها می‌نشانند که بجای سیر آب شدن در آن آتش سوزان، امعاء آنها را متلاشی می‌کند و همانطور که طبیعت دوزخ است باز به حال اول برمی‌گردد چرا که در آنجا مرگی نیست!

بعدها

↑ فرست

قبلا